



پیش‌ها و پاسخ‌ها

کد پرسشی: ۲۳۲

عقاید

شناخت خلیفه‌ی خداوند در زمین
احوال صحابه و همسران پیامبر خاتم صلی الله علیه و
آله و سلم و حرمت آنان

احوال اهل بیت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم
و شؤون آنان

پرسشی کننده: سرپر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ پرسش: ۱۳۹۵/۶/۳۱

شماره پرسش: ۴

نظر علامه در رابطه با واقعه غدیر خم چیست؟ قول «من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه» صحّت دارد؟

تاریخ پاسخ به پرسش: ۱۳۹۵/۷/۲

پاسخ به پرسش شماره: ۴

حدیث غدیر خم با محوریت عبارت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»؛ «هر کس من مولای او هستم این علی مولای اوست»، بواسطه‌ی بیش از ۱۰۰ صحابی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده و طرق آن نزد اهل حدیث، سخت فراوان است؛ چنانکه احمد بن حنبل آن را از ۴۰ طریق و محمد بن جریر طبری آن را از ۷۵ طریق و جزری مقری آن را از ۸۰ طریق و ابن عقده آن را از ۱۰۵ طریق و ابو سعید سجستانی آن را از ۱۲۰ طریق و ابو بکر جعابی آن را از ۱۲۵ طریق و برخی دیگر آن را از طرق بیشتری روایت کرده‌اند (برای آگاهی از این طرق، نگاه کنید به: آمینی، الغدیر فی الکتاب و السنّة و الأدب، ج ۱، ص ۱۴ تا ۱۵۸)؛ بل انصاف آن است که هیچ حدیثی در کثرت طرق به پایه‌ی آن نمی‌رسد؛ چنانکه ذهبی گفته است: «محمد بن جریر درباره‌ی طرق این حدیث کتابی نوشته است که من آن را دیدم و از آن و از کثرت طرقش دهشت کردم» (ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۱۳) و از ابو المعالی جوینی معروف به امام الحرمین نقل شده است که با تعجب می‌گفت: «در بغداد یک جلد کتاب را در دست صحافی دیدم که در آن روایات غدیر خم بود و بر روی آن نوشته شده بود: جلد بیست و هشتم از طرق سخن رسول خدا صلی الله علیه و سلم که <هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست> و در ادامه جلد بیست و نهم می‌آید» (قندوزی، ینابیع المودة، ج ۱، ص ۱۱۳) و این به طور قطع حاکی از «تواتر لفظی» و «اهمیت خاص» این حدیث در میان مسلمانان است.

مطابق با ظاهر این حدیث، علی بن ابی طالب مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مولای مسلمانان است و تبعاً اطاعت او بر آنان مانند اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر آنان و مانند اطاعت مولا بر عبد واجب است؛ خصوصاً با توجه به صدر این حدیث

که مولویّت او را از باب اولویّت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آیهی ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾ (أحزاب / ۶)؛ «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است» شمرده و ذیل آن که فرموده است: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ»؛ «خداوندا! دوست کسی باش که او را دوست بدارد و دشمن کسی باش که او را دشمن بدارد» و با توجه به حدیث متواتر «ثقلین» که بواسطه‌ی بیش از ۳۰ صحابی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده و صریح در وجوب تمسک به اهل بیت آن حضرت پس از او در کنار تمسک به کتاب خداوند است (نگاه کنید به: بازگشت به اسلام، ص ۱۱۹)، در حالی که علی بن ابی طالب بزرگ آنان و قدر متیقن از آنان محسوب می‌شود و به همین دلیل، از عمر بن خطاب روایت شده است که او را مولای خود و مولای همه‌ی مسلمانان می‌شمرد (ابن ابی شیبّه، المصنّف، ج ۷، ص ۵۰۳؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۲۸۱؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۸۴؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۳۳؛ ابن کثیر، البداية و النهایه، ج ۷، ص ۳۸۶؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۳۲۸) و به او حرمتی می‌نهاد که به احدی از صحابه نمی‌نهاد، تا جایی که به او گفته شد: «إِنَّكَ تَصْنَعُ بَعْلِيَّ شَيْئًا لَا تَصْنَعُهُ بِأَحَدٍ مِنَ الصَّحَابَةِ»؛ «تو با علی گونه‌ای رفتار می‌کنی که با احدی از صحابه رفتار نمی‌کنی»، پس پاسخ داد: «إِنَّهُ مَوْلَايَ»؛ «او مولای من است» (مناوی، فیض القدير، ج ۶، ص ۲۸۲؛ محب طبری، الرياض النضرة، ج ۳، ص ۲۳۳؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۳۵) و از سایر صحابه نیز روایت شده است که چون به نزد او می‌آمدند می‌گفتند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا»؛ «سلام بر تو ای مولای ما» (ابن ابی شیبّه، المصنّف، ج ۷، ص ۴۹۶؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۵، ص ۴۱۹؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج ۴، ص ۱۷۴؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۱۲)؛ همچنانکه نوعاً اطاعت او را بر خود واجب می‌دانستند و می‌گفتند: «إِذَا حَدَّثَنَا ثِقَةً عَنْ عَلِيٍّ بِفُتْيَا لَا نَعْدُوها»؛ «هرگاه ثقه‌ای ما را از علی به فتوایی خبر دهد، از آن تخطی نمی‌کنیم» (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۳۸؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۳، ص ۶۳۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۷) و از هر معضلی که در آن به او دسترسی نداشته باشند، به خداوند پناه می‌بردند (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۳۹؛ ابن قتیبه، تأویل مختلف الحدیث، ص ۱۵۲؛ ابن عبد البرّ، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۰۳؛ ابن الجوزی، كشف المشكل، ج ۱، ص ۱۷۶؛ ابن الأثیر، أسد الغابة، ج ۴، ص ۲۳).

البته اعتقاد به این حقیقت، مستلزم بی‌احترامی به سایر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیست و از این رو، کسانی که با اعتقاد به این حقیقت، به سایر اصحاب آن حضرت بی‌احترامی می‌کنند، در خطا هستند. چیزی که مسلم است این است که هر کس از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فضل علی بن ابی طالب را شناخته و از او اطاعت کرده، حق مولای خود را ادا نموده و سود برده و هر کس از آنان فضل او را نشناخته و از او اطاعت نکرده، حق مولای خود را ضایع نموده و زیان کرده و خداوند به کار هر دو آگاه است؛ همچنانکه برای مسلمانان بهتر است به جای بی‌احترامی به کسانی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فضل مولای خود را نشناخته و از او اطاعت نکرده‌اند، خطای آنان را تکرار نکنند، بلکه جبران کنند؛ به این صورت که فضل مولای خود را بشناسند و از او اطاعت کنند و مولای آنان همانا «مهدی» است که در زمان آنان مانند علی بن ابی طالب در زمان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و هر کس فضل او را نشناسد و از او اطاعت نکند، مانند کسی است که فضل علی بن ابی طالب را نشناخته و از او اطاعت نکرده است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قَالَ الْمَنْصُورُ لِجَمَاعَةٍ مِنَ الشَّيْعَةِ: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شَيْعَةِ عَلِيٍّ وَ هُوَ يَتَشَبَّعُ لِعَلِيٍّ الْمَهْدِيِّ»؛ «جناب منصور به جماعتی از شیعه فرمود: دروغ می‌گویند کسی که می‌پندارد از شیعه‌ی علی است، در حالی که از غیر مهدی طرفداری می‌کند!»

دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی
مجلس پژوهشی - پژوهش‌ها

